



تئاتر ایرلند و تاریخچه آن

همایون نورا حمر

۱. تئاتر آبی

تئاتر آبی مشهورترین تئاتر دوبلین و مرکز نهضت دراماتیک ایرلند، در ۱۸۹۹ توسط ویلیام باتلر ییتز^۱ و لیدی گریگوری^۲ بنیان نهاده شد. هدف این نهضت معرفی و شناساندن موضوع نمایشنامه‌های ایرلندی و اجرای آن‌ها توسط هنرپیشگان بود. این تئاتر با یاری میس آ. ای. اف هورنیم^۳ در ۱۹۰۴ برپا گشت.

عملکرد تئاتر آبی تا اندازه‌ای آماتوری، اما در اصل حرفه‌ای بود. در این عصر، نمایشنامه‌هایی که توسط درام‌نویسان ایرلند نوشته شده بود به معرض تماشا گذاشته شد.

ییتز و لیدی گریگوری، در این مسیر سخت کوشیدند تا زندگی تازه‌ای برای تئاتر ایرلند پدید آورند، و پس از آن جی. ام. سینگ^۵ در این راه فعالیت در خور توجهی به تئاتر ایرلند مبدول داشت.

(Play - House) مشهوری که توسط میس هورنیم (۱۸۶۰ - ۱۹۳۷)، مدیر تئاتر آبی، یکی از بنیان تئاتر ایرلندی - انگلیسی که در آغاز قرن بیستم تأثیر فراوانی از خود بر جای گذاشت، با یاری انجمن دراماتیک ملی ایرلند تحت رهبری فرانک فی^۶ و ویلیام جی جورج^۷ بازیگران ایرلندی که می‌خواستند نمایشنامه‌های نو و نهضت تئاتری ایرلندی را احیا کنند، در ۲۷ دسامبر ۱۹۰۴ با فراوری نمایشنامه‌های ویلیام

باتلر ییتز از جمله on Baile's strand و انتشار اخبار اثر لیدی گریگوری درام‌نویسان ایرلندی کار ادبی خود را آغاز کردند.

در این انجمن یا شرکت آرتور سینکلر^۹ بازیگر ایرلندی و همسرش مری اونیل^{۱۰} و سارا آگود^{۱۱} بازیگر زن قرار بر این نهاده شد که نقش بزرگی را در گسترش آینده تئاتر ایرلند بر عهده بگیرند.

در میان فراوری‌های مهم سال‌های اولیه این تصمیم، نمایشنامه جی. ام. سینگ درام‌نویس ایرلندی، «جوان عیاش خوش‌گذران دنیای غرب»^{۱۲} در شب اول نمایش غوغایی برانگیخت (۲۶ ژانویه ۱۹۰۷) و برنارد شاو و میس هورنیم که از پیش عمیقاً به کار و عمل او اعتراض داشتند، خود را واپس کشیدند و تئاتر را به بازیگران واگذاشتند و یک سال بعد لیناکس رایبنسن^{۱۳}، بازیگر ایرلندی، سرپرست و گردانندگان تئاتر ایرلندی که تا ۱۹۵۸ زمان مرگش عهده‌دار چنین مقامی بود، در کار خود باقی ماند.

باری، تحت سرپرستی این بازیگر بود که دیگر بازیگران تئاتر آبی در ۱۹۱۳ نخستین دیدار خود را از امریکا به جمل آوردند و با نمایش «جوان عیاش خوش‌گذران دنیای غرب» بار دیگر هیاهو و غوغایی در این کشور برپا کردند. دیدارهای بعدی آنان از امریکا و انگلستان با

موفقیت بسیاری رو در رو گردید و مورد تحسین تماشاگران واقع گشت.

غوغای ۱۹۱۶ وجود چنین تئاتری را مورد تهدید قرار داد که علت آن فراوری نمایشنامه اولیه شون اوکیسی^{۱۴} درام‌نویس ایرلندی به شمار آمد.

با این همه، اگرچه تئاتر آبی آن گونه که بنیان آن می‌خواستند، گسترش نیافت. سال‌ها بعد بیشتر تمایل نمایشنامه‌نویسان ایرلندی به رئالیسم بود تا به درام شاعرانه که شهرت خود را به خاطر بازیگری خوب به دست آورد تا آنجا که رفته رفته رپرتوار آن نمایشنامه‌های خوبی را از تمام کشورها در بر گرفت.

در ۱۹۲۴ با تأسیس جدید دولت آیر^{۱۵} تئاتر ایرلند جنوبی به زبان انگلیسی جهانی فروکش کرد، اما تا ۱۹۴۰ نمایشنامه‌ها به زبان بومی^{۱۶} ادامه یافت و تئاتر ایرلند بازیگران خود را واداشت تا حرف‌های خود را دوزبانی^{۱۷} بر زبان آورند و تعدادی از نمایشنامه‌ها را به گونه سلت ایرلندی یا زبان گالیک^{۱۸} فراوری کنند.

در شب ۱۷ ژوئیه ۱۹۵۱ تئاتر آبی با تئاتری هم‌جوار و منفصل با نام بی‌کاک^{۱۹} که در ۱۹۲۵ گشایش یافته بود، با حریق^{۲۰} که در گرفته بود، نابود گردید.

از این رو تئاتر آبی به تئاتر کوئین^{۲۱} پیوست تا زمان برپایی تئاتر نو به کار خود ادامه بدهد.

تئاتر آبی در ۱۹۶۴ به لندن کوچید تا نمایشنامه جونو و طاووس^{۲۲} و خویش و ستارگان^{۲۳} اثر شون اوکیسی را طی فصل تئاتر جهانی به اجرا درآورد.

تئاتر آبی جدید در ۱۸ ژوئیه ۱۹۶۶ گشایش یافت (با یک برنامه یادبود با نام «Commemorative - rative») و یک سال بعد در ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۷ تئاتری که نام نیو طاووس^{۲۴} را به خود گرفت تا با یک کمدی گالیک^{۲۵} در زیرزمین به اجرا درآید و سرانجام تئاتر آبی در ۱۹۶۸ با اثری از بوسی کالت^{۲۵}، بازیگر و درام‌نویس انگلیسی، به کارگردانی هیو هانت^{۲۶}، به اجرا درآمد.

فرهنگ آکسفورد می‌نویسد: «تئاتر ادبی ایرلند توسط لیدی گریگوری، ادوارد مارتین^{۲۷}، جورج مور^{۲۸} و ویلیام باتلر ییتز که بنیان نهاده شد، نخستین تجلی درام ایرلند و جان بخشی ادبیات ایرلندی بود.

از ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۱ فصل کوتاهی بود که هر ساله انجام می‌گرفت و در آن نمایشنامه‌های ایرلندی شامل نمایشنامه‌های کنتس کاتلین^{۲۹} بود که توسط بازیگران انگلیسی به اجرا درمی‌آمد.

نخستین نمایشنامه گالیک نو با نام Casadh an Tsugain اثر هاید دوگلاس^{۳۰} توسط گالیک، زبان آماتور، به صحنه آمد.

این اقدام در آن زمان توسط انجمن دراماتیک ملی ایرلندی که شرکتی به مدیریت W.G و فراتک فی در میان فراوری‌هایی شامل چند نمایشنامه از بیتز و لیدی گریگوری و نخستین نمایشنامه‌های سینک بود به اجرا درمی‌آمدند. احتمالاً ظهور این شرکت در لندن در مه ۱۹۰۳ به رهبری میس هورنیم بود که تئاتر آبی بنا نهاده شد.

ادبیات ایرلند، به سه قسمت ایرلندی کهن (پیش از ۹۰۰) و ادبیات وسطی (تا ۱۲۵۰) و ادبیات واپسین^{۲۱} و وسطی یا ادبیات آغازین وسطی، یا ادبیات مدرن (تا ۱۶۵۰)، و ادبیات مدرن (از ۱۶۵۰) تقسیم می‌شود.

آثار ادبیات کهن ایرلند در نسخ ادبیات وسطای ایرلند ماندگار مانده است، چون کتاب لاینستر^{۲۲}.

ادبیات وسطای ایرلند شامل دو گروه از رمانس‌ها یا ساگاس‌ها^{۲۳} - شاخه گلیون^{۲۴} یا چرخه اولستر^{۲۵} و چرخه فنیان^{۲۶} می‌شود. شاخه گلیون با قهرمانان پاگان^{۲۷} (بی‌دینان) سر و کار دارد (چون کوهولین^{۲۸}).

چرخه فنیان، بعدها پاکزادتر و در زمان اوسیان^{۲۹} در افسانه‌های ایرلندی کهن با نام سن باتریک^{۳۰} مطرح شده است. فرم ساگاس‌ها نیز در نثر با دیالوگی از شعر ممزوج گشت و احیا شاعرانه با نثر مدرن ایرلندی (قرن ۱۶ و ۱۷) به اوج و کمال خود رسید. شعر پس از زمان کرامول^{۳۱} (۱۶۴۹) در دست‌های شاعران دوره گرد قرار گرفت و کاهش جمعیت ایرلند پس از قحطی سیب‌زیمیتی سال ۱۸۴۷ کاهش بزرگی در عده‌ای که به زبان گالیک می‌سرودند پدید آورد، اما در اواخر قرن ۱۹ زبان گالیک



توسط انجمن گالیک و دو گلاس هاید^{۳۲} از نو احیا گردید.

ادبیات گالیک اسپانیا از قرن ۱۶ در طغیان (۱۷۴۵) چارلز ادوارد استوارت^{۳۳} با راهنمایی او در قرن ۱۹ و ۲۰ در میان نویسندگان رواج پیدا کرد.

Gaelic Drama

هورنیم، ا. ا. فردریکا (۱۸۴۰ - ۱۹۳۷) مدیر و اداره‌کننده تئاتر، در آغاز قرن بیستم یکی از بنیانگذاران تئاتر ایرلند و انگلیس بود که در مسافرت‌های خود به کشورهایی به ویژه آلمان، نقش فرهنگی با بازی یک تئاتر قدیمی و از کارافتاده، به اتفاق که حرکتی کنند (۱۸۹۴) برای تئاتر فصلی اونیو^{۳۴}. نمایشنامه اسلحه و مرد^{۳۵} اثر برنارد شو نخستین اثری بود که در این تئاتر به نمایش گذاشته شد و چندی بعد نمایشنامه «سرزمین آرزوی قبلی» اثر ویلیام باتلر بیتز نیز به اجرا درآمد.

این کار فقط کوششی نبود که بر آن نام نهضت تئاتر مدرن را بگذارند؛ بلکه قصد میس هورنیم، این بود که «نهضت جدید تئاتر ایرلند» را پایه‌گذاری کند و تئاتر آبی جدیدی در دوبلین بنا کند. احتمالاً بر این قصد بود که نظر تماشاگران را بار دیگر به سوی تئاتر آبی جلب کرد، از این رو این تئاتر در هم‌ریخته و از میان رفته را خرید و در منجستر از ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۷ دوپست اثر نمایشی عالی را در آن گرد آورد (جدید و قدیمی) و نمایشنامه جین گلگ^{۳۶} و مکتب منجستر و نخستین نمایش سنت جان اروین^{۳۷} آهنگ‌ساز ایرلندی (۱۸۸۳ - ۱۹۷۱) را به نمایش گذاشت.

درباره ویلیام باتلر بیتز نوشته‌اند: کشته شدن

پسر به دست پدر که اساس رستم و سهراب فردوسی را تشکیل می‌دهد، موضوعی است که عیناً در یکی از افسانه‌های ایرلند تکرار شده است.

هر دو افسانه از یک اصل برخوردارند. آشکار است که کوهولین^{۳۸}، همان رستم و جنگجوی جوان، همان سهراب شاهنامه است که مردی بدخواه و حيله‌گر است. اصل این درام در انگلیسی است به قلم ویلیام باتلر بیتز (۱۸۶۵ - ۱۹۳۹) و در ۱۹۲۳ جایزه نوبل را از آن خود ساخت که مهم‌ترین خدمت ادبی او همانا زنده کردن افسانه‌های باستانی وطن خود است.

در زمان‌های پیش از تاریخ سلتها^{۳۹} که تیره‌ای از نژاد بزرگ آرین بودند، از نواحی دانوب به ایرلند آمدند و در این کشور که برخلاف بقیه انگلستان هرگز به فرمان امپراتوری روم درنیامد و آزادانه زندگی می‌کردند (از تاریخ ایرلند، تألیف کنستانتیا ماکسول)^{۴۰} ایرلندی‌های



از سگ مورد مذکور شخصاً آهن را پاسبانی و حمایت کند و به این مناسبت به کوهولین یا سگ هولین ملقب گردید.

بعدها او چند تن از دشمنان بزرگ اولستر را در جنگ کشت تمام زنان عاشق او شدند. از این رو اهالی اولستر تصمیم گرفتند او را همسر بدهند، ولی هر چه گشتند، زنی که برزنده او باشد، نیافتند. کوهولین خود مستقیماً به خواستگاری امر^{۵۲} دختر فورگال^{۵۳} رفت و دختر را به این شرط به او دادند که کوهولین به اسکاتلند برود و در آنجا نزد دو استاد مخصوص فنون جنگ را بیاموزد.

کوهولین به اسکاتلند می‌رود و پس از تحمل مشقات بسیار فنون جنگ را فرا می‌گیرد و از زن خود موسوم به ایفه از خود پسری بر جای می‌نهد. تا مرگ او در ۲۷ سالگی رخ داد.

نمایشنامه‌های ویلیام باتلر ییتز (۱۸۶۵-۱۹۳۹)

کنتس کاتلین^{۵۴} (۱۸۹۲)
سرزمین آرزوهای قلبی^{۵۵} (۱۸۹۴)
آب‌های ظلمت^{۵۶} (۱۸۸۵) -
ساعت شنی^{۵۷} (۱۹۰۲)
دیزی شورا^{۵۸} (۱۹۰۱)
در آنجا هیچ چیز نیست^{۵۹} (۱۹۰۴)
بارگاه شاه، اسب تک شاخ و سنسارگان (۱۹۰۳)

ملکه بازیگر^{۶۰} (۱۹۱۸)
دیرد^{۶۱} (۶ - ۱۹۰۵)
کلاه‌خود سبز^{۶۲} (۱۹۱۵ - ۱۹۱۶)
تنها حسادت ایمر^{۶۳}
پادشاه بزرگ ساعت^{۶۴} (۱۹۳۴)
کالوری^{۶۵} (۱۹۲۰)
اودیپوس در کلتوس^{۶۶}
مرگ کوهولین^{۶۷}

اکثر آثار ییتز به سبک سمبولیسم عرضه شده‌اند. البته چون ییتز شاعر، آثار نمایشی خود را با شعر درآمیخت.

لیدی گریگوری (۱۸۵۲-۱۹۳۲)

درام‌نویس و مدیر تئاتر با نام اصلی خود ایزابلا اوگوستا^{۶۸} با همکاری ویلیام باتلر ییتز و ادوارد مارتین^{۶۹} در تأسیس تئاتر ادبی ایرلند، که در نتیجه به پدید آمدن تئاتر ادبی در ایرلند منجر گشت، سهم بسزایی داشت و نمایشنامه‌های ایرلندی متعددی را در این تئاتر به صحنه آورد.

لیدی گریگوری به روزهای احیای تئاتر ادبی در کتاب تئاتر ایرلندی (۱۹۱۴) اشاراتی دارد و با باتلر ییتز به ویژه در نوشتن نمایشنامه



این پادشاه بسیار مشهور بود و در اوایل عهد مسیحیت، پنجاه سال پس از زمان سزار زندگی می‌کرد.

کوهولین پسران آن ناحیه را هر یک به طور عجیبی مغلوب کرد و در جرگه ایشان درآمد. اندکی بعد سگ پاسبان عظیمی را که متعلق به هولین آهنگر بود به قتل رسانید. هولین شکایت کرد که به علت از دست دادن سگ پاسبانش دیگر جان و مال او محفوظ نمی‌ماند. اما قهرمان جوان بر عهده گرفت که به هنگام رشد توله‌ای

کنونی که فرزندان مستقیم سلت‌ها هستند، مردانی شوریده و خیال‌پرستاند و در نتیجه از یک سو از همسایگان انگلیسی خود در امور دنیوی عقب افتاده، اما از سوی دیگر میتولوژی (اسطوره‌شناسی) بسیار وسیع و مهمی دارند که هنوز هم به طور کامل مورد تحقیق، تنظیم و انتشار نیافته است و به سه شعبه بزرگ تقسیم می‌شود و دومین شعبه آن را یک سلسله داستان‌ها در باره کوهولین تشکیل می‌دهد و این زیباترین و مهم‌ترین قسمت میتولوژی ایرلند است. (از ادبیات دنیا، تألیف ریچاردسن واون)

در این عهد، ایرلندی‌ها هنوز مسیحی نشده بودند، آتش و خورشید و برخی از چیزهای طبیعی چون سنگ‌ها، چاه‌ها و خدایان، بت‌ها و پریان را می‌پرستیدند. امروزه نیز، اهالی ایرلند از جمله خود ییتز به وجود ارواح و پریان معتقد بودند.

بازی، نسب کوهولین معلوم نیست و در این باب چند افسانه وجود دارد که با یکدیگر اختلاف دارند. امروزه نیز، غالباً ایرلند از جمله خود ییتز ابتدا نام سه‌تا^{۷۰} بود، که در شش‌سالگی به دربار کونوهار یا کنکووار در شهر ایمن ماگو^{۷۱} در کشور اولستر^{۷۲} ایالت کنونی ایرلند رفت.



تک‌پرده‌ای «دیزی شوربا» و کاتلین نی^{۳۳} هر دو در ۱۹۰۲ همکاری داشت.

کمدی‌های پخش اخبار^{۳۳} (۱۹۰۴) و طلوع ماه^{۳۴} (۱۹۱۸) و دروازه زندان^{۳۵} (۱۹۱۶) و سنبل هالوی^{۳۶} (۱۹۰۶) و بخش اردوی کار زندانیان^{۳۷} (۱۹۰۸) و ماه پر^{۳۸} و مرد مسافر^{۳۹} مؤخره

در نمایشنامه «پخش اخبار» او می‌خوانیم: در بیرون از یک نمایشگاه در یکی از سواحل ایرلند نزاع کوچکی مردی را می‌بینم که با جنگال علف‌کنی به دنبال مرد دیگری می‌دود. وقتی لرد اول لحظه‌ای غیبش می‌زند، می‌اندیشم که به دست مرد دوم کشته شده است. از این رو داستانی مبالغه‌آمیز آغاز می‌شود که باعث خنده تماشاگران می‌شود.

در نمایشنامه «مرد مسافر» مادری به پسر خود می‌گوید چگونه یک غریبه هفت سال پیش به نزدش آمده و از او خواسته است که وارد خانه‌شان بشود. مادر بر این باور است که این مرد غریبه بار دیگر خواهد آمد؛ از این رو بیرون می‌رود. مرد مسافر وارد می‌شود و با کودک به بازی مشغول می‌شود و دل او را به دست می‌آورد و شادمانش می‌کند. مادر باز می‌گردد و چون مرد را بار دیگر می‌بیند، غضبناک می‌شود و مرد را از در می‌راند. پس از آنکه مرد مسافر می‌رود، زن درمی‌یابد که او «پادشاه دنیا» را از خانه خود رانده است.

واقعه نمایشنامه «طلوع ماه» در یک شهر ساحلی رخ می‌دهد. مرد بی‌خانمانی، با لباس مبدل یک قصیده‌خوان با یک گروه بان پلیس رو در رو می‌شود که در تعقیب اوست، برای آنکه از قانون بگریزد، به گروه بان پیشنهاد می‌کند که در مقابل یکصد لیره رهانش کند.

نمایشنامه «بخش اردوگاه کار زندانیان» را در ایرلند در نظر می‌آوریم. دو گدا، مایک و مایکل از تختخواب‌های خود که در کنار هم قرار دارند، به یکدیگر ناسزا می‌گویند. خانم دونو هیوا می‌آید که مایک را از اردوگاه خارج کند و خانه‌ای برای او فراهم آورد. اما مایک می‌گوید اگر مایکل هم بخواهد بیاید، زن دچار اشتباه خواهد شد. از این رو خانم دونو هیوا می‌گردد و این دو گدا بی‌درنگ به نزاع خود پایان می‌دهند.

بی‌نوشت

1. Abbey.
2. W. B. Yeats.
3. Lady Gregory
4. A. E. F. Homan
5. J. M. Singe
6. Frank. fay
7. W. G. George
8. Spreading the News
9. A. Sinclair
10. M. O'neil

46. Jane Clegg
47. Sain Jhohn Ervine
48. Cuchillim
49. Celts
50. C. Maxwell
51. Setala
52. Emain Macha
53. Ulster
54. Emer
55. Forgall
56. Courtess Cathleen
57. The Land of Heart Desire
58. The Shadowy Wates
59. The Hour Class
60. The Pot of Broth
61. Where There is nothing
62. Player Queen
63. Deirde
64. The Green Helmet
65. Only Jealousy of Elmer
66. The King of the Great Clock Tower
67. Calvary
68. Odiplus at colous
69. The Death of Cuchulain
70. Isabella Augusta
71. Edward Martyn
72. Cathelteen ni Houllthan
73. Spreading The news
74. The Rising of The Moon
75. The Goat Gate
76. Hyacinth Halvey
77. The Workhouse Ward
78. Full Moon
79. Travelling Man

11. Sara Allgood
12. Playboy of Western world
13. Lennox Robinson
14. Soan O' cacy
15. Eire
16. Vernacular
17. Bilingual
18. Gaelic
19. Peacock
20. Gueen
21. Juno and the Peacock
22. Plough and the Stars
23. New peacock
24. Gaelic
25. Bouicault
26. Hugh Hunt
27. E. Martyn
28. E. G. Moore
29. Countess Cathleen
30. Hyde Douglas
31. Lufe
32. Book of Leinster
33. Sagas
34. Red Brach
35. Ulster
36. Fenian
37. Pagan
38. Cuchulain
39. Ossian
40. St. Patrek
41. Cramwell
42. Douglas Hyde
43. C. Edward
44. Avenue
45. Arms and the man